

# غرب نیاز به نوکر دارد!



مصاحبه با هیثم مناع در باره اوضاع سوریه

Jungewelt

Karin Leukefeld

برگردان ناهید جعفرپور

در حالی که غرب به دنبال نوکران است، سوریه به نوکران نیاز دارد. این موضوع در مصاحبه با هیثم مناع، مدیر عامل انجمن حقوق بشر سوریه، مورد بحث قرار گرفت. مناع در این مصاحبه به نقش نوکران در سوریه و نقش غرب در این موضوع پرداخته است.

مناع: غرب به دنبال نوکران است. این نوکران در سوریه به عنوان «فرماندهای نظامی» شناخته می‌شوند. این فرماندهان توسط غرب آموزش دیده می‌شوند و سپس به سوریه فرستاده می‌شوند. این فرماندهان در سوریه به ارتش سوریه کمک می‌کنند. این فرماندهان در سوریه به ارتش سوریه کمک می‌کنند.

مناع: غرب به دنبال نوکران است. این نوکران در سوریه به عنوان «فرماندهای نظامی» شناخته می‌شوند. این فرماندهان توسط غرب آموزش دیده می‌شوند و سپس به سوریه فرستاده می‌شوند. این فرماندهان در سوریه به ارتش سوریه کمک می‌کنند. این فرماندهان در سوریه به ارتش سوریه کمک می‌کنند. این فرماندهان در سوریه به ارتش سوریه کمک می‌کنند. این فرماندهان در سوریه به ارتش سوریه کمک می‌کنند.

**پرسش: شما بعنوان سخنگوی اروپای دفتر هماهنگی ملی برای تغییرات دمکراتیک در سوریه در مسکو، پکن و تهران و قاهره بودید. غرب بنظر می‌رسد که با این سازمان با بی توجهی برخورد می‌کند در حالیکه با گروه‌های دیگر و اشخاص دیگر در رابطه است چرا؟**

پاسخ: غرب نیاز به نوکران سوریه ای دارد. به فرانسوی ما به این می‌گوئیم les syriens de service. درست بمانند اینکه آنها نوکران عربی و نوکران سیاه می‌خواهند. اگر بخاطر بیاوریم منصف مرزوکی فعال معروف حقوق بشر تونس بعد از خیزش تونس ۱۰ سال تمام در فرانسه در تبعید بودند اما هرگز از جانب دولت مورد خطاب قرار نگرفت. بجای آن همواره با افراد درجه ۳ اپوزیسیون تماس گرفتند، زیرا آنها بدنبال کسانی بودند که می‌بایست هر چه را آنها می‌گویند انجام دهند. غربی‌ها شریک سیاسی نمی‌خواهند من حتی می‌توانم بگویم که ایده سیاسی شراکت سیاسی تفکر استعماری بسیاری از اروپائی‌ها هنوز هم برای همه بیگانه است.

سوریه دارای موقعیت ژئو استراتژیک بسیار مهم است. که از اهمیت زیادی برای منافع ایالات متحده آمریکا و اروپا در منطقه دارد. هر تغییری در سوریه تاثیر و عواقب بر منطقه و سیاست های بین المللی دارد. بنا براین هر کسی باور دارد که او حق دخالت در مسائل سوریه دارد. در دومین سال جنگ بود که این مسئله کاملا روشن شد. در آغاز آنها بنحوی به استقلال ما احترام می گذاشتند اما از زمانی که قطر و عربستان سعودی نقش بسیار بدی در سوریه بازی می کنند این مسئله بر روی اپوزیسیون تاثیر بسیار منفی گذاشته است.

**پرسش: قطر و عربستان سعودی کاملا آشکار گروه های مسلح را پشتیبانی مالی می کنند. نیروهائی که در کل بنام ارتش آزاد سوریه خوانده می شوند. این ارتش آزاد سوریه کی ها هستند؟**

پاسخ: ما در ابتدا پدیده ای اجتماعی و فرهنگی داشتیم که با رفتار سوریه تا آن زمان کاملا در تضاد بود. حدود ۱۰۰۰ سرباز وجود داشت که از موقعیت استفاده کردند و در ترکیه مستقر شدند. آنها سرباز ارتشی نبودند بلکه مردان جوانی بودند که خیلی ساده در لبنان، اروپا و هر جایی که کار پیدا میشد مستقر می شدند و برای اینکه اوضاع آن کشور را برای خودشان راحت تر کنند می گفتند که ما پناهندگان سیاسی هستیم و پناهندگی می خواهیم. کار آنها با سیاست اصولا ربطی نداشت. البته همچنین سربازان شجاعی هم وجود داشتند که مثل حسین هارموش که تلاش نمودند در ترکیه گروه کوچکی سازماندهی نمایند. هارموش یک ناسیونالیست سوریه ای است. او نمی توانست قبول کند که ترکیه می خواهد مبارزه ما را تعیین کند. از این روی - البته این گمان من است - ترکیه او را به سوریه باز پس فرستاد و بعد هم در سوریه دستگیر شد. او تا به امروز هم در زندان بسر می برد و من امیدوارم که روزی داستان خودش را تعریف کند. ترکیه تعدادی از افسران و ژنرال های بازنشسته را که در پادگانی گروهی را تعلیم می دادند پیدا کرد. هدف این بود که فرماسیونی نظامی شکل داده شود مانند لیبی که با پشتیبانی خارج برای حمله نظامی به سوریه آماده شوند.

**پرسش: آیا اپوزیسیون خارج از سوریه کار آنها را قبول نمود؟**

پاسخ: برخی بله اما ما از همان ابتدا مخالف این نقشه بودیم. ما به آنها گفتیم این تصمیم شماسست که بطور نظامی به سوریه حمله کنید اما ما کاملا مخالفیم و در برابر آن قرار داریم. زیرا این کار به مفهوم نابودی کامل سوریه است. گفتیم اگر می خواهید این کار را

کنید باید بطور استراتژیک حرکت کنید. به این معنی که برنامه سیاسی تان تابع حملات نظامی تان باشد. دوم اینکه باید مبارزه خود را بطور مداوم خود رهبری کنید و نه اینکه شبه نظامی تربیت کنید. شبه نظامیان در روستای خود یا حومه شهری که زندگی می کنند مبارزه می کنند نه برای یک ملت واحد سوریه. سوم اینکه این مبارزه باید مبارزه ای ملی باشد و نه اینکه به فرقه ای خاص تعلق داشته باشد. سنی ها یا گروه های اسلامی سازنده نیستند بلکه بیشتر عملکردی ضد انقلابی دارند. چهارم اینکه شما باید همواره به استقلال ملی پایبند باشید و اگر اینطور نباشد شما منوپل ناسیونالیستی را بدامان اسد خواهید انداخت. زیرا که استقلال و ناسیونالیسم المانت های مهمی در خودآگاهی جمعی سوریه ای ها دارد.

**پرسش: آیا این گروه های مسلح به اندرز های شما توجه کردند؟**

پاسخ: آنها در همه کارشان شکست خورده اند. روزانه خواهان کناره گیری اسد هستند اما آنها کسانی هستند که از ترکیه فرمان می گیرند و به آمریکا خدمت می کنند و یا به قطر و عربستان سعودی. بله آنها می توانند بکشند و شاید بتوانند یک یا دو روز یک روستا و یا بخشی از شهری را اشغال کنند اما آنها استراتژی سیاسی ندارند و بدون استراتژی سیاسی تنها نابودی و تخریب در انتظار خواهد بود. هم اکنون بسیاری از مردم دارند می میرند و بسیاری دیگر از مردم رنج می کشند و بی توجه ای آنها تنها دلیل این مسئله است.

**پرسش: اوائل ماه دسامبر یک شورای نظامی از گروه های مسلح تشکیل شد. این شورا دستور های سیاسی به ائتلاف ملی صادر نمود. بنظر می رسد که در این فاصله گروه های مسلح ساختاری سیاسی را دنبال می کنند؟**

پاسخ: با این شورای نظامی یک مشکل اساسی وجود دارد. کماندوهای نظامی که از تاریخ ۷ دسامبر در آنتالیا همدیگر را ملاقات نمودند در آنجا با ۵ غیر سوریه ای ملاقات کردند. این ۵ نفر به آنها گفتند که باید چه بکنند و چه نکنند. نام آنها روبرت فورد سفیر اسبق آمریکا در دمشق، اریک شوالیه<sup>۱</sup> سفیر اسبق فرانسوی در دمشق، آقای علی آتایا وزیر قطری، و مسئولی از سوی بندر بن سلطان رئیس سازمان امنیت عربستان سعودی و همچنین نماینده ارتش ترکیه، بود. (....) یک نفر از سیاستمداران سوریه در این ملاقات حضور نداشت. همچنین از ائتلاف ملی کسی نبود. از شورای ملی سوریه هم کسی در آنجا حضور نداشت. غرب حتی به ساختار های سیاسی ای که وی خود در سوریه به

وجود آورده است احترام نمی گذارد. همزمان تمامی رهبران نظامی که برای استقلال ملی حرکت می کنند و معروف هستند را قبل از این ماجرا یکی یکی دست چین کردند. غرب نیاز به کسانی دارد که دستورات آنها را انجام دهند.

**پرسش: آیا هنوز تظاهرات های در سوریه انجام می شوند؟**

پاسخ: بله هنوز هم تظاهرات های مسالمت آمیز بر علیه گروه های مسلح در حلب و دمشق و جاهای دیگر وجود دارد. مهم هیئت هائی می باشند که ما آنها را در عربی بنام اخباریه می خوانیم و شخصیت های معروف و مورد احترام در آن هستند نوعی شورای بزرگان. برای مثال اگر در یک محل نیروهای مسلح خارجی وجود داشته باشد این شورای بزرگان تلاش می کند با آنها وارد صحبت شود (...). پدیده نیروهای مسلح خارجی پدیده ای بسیار خطرناک است. بسیاری از روستا ها بخاطر آنها منهدم شدند. زیرا که دولت می گوید اگر این افراد مسلح عقب نشینی نکنند، همه ساکنین آن منطقه باید خسارتش و عقوبتش را بپردازند. از این روی مردم می خواهند که این گروه های مسلح بروند. این به مفهوم آن نیست که مردم طرفدار دولت هستند بلکه برای اینکه مردم می خواهند خواسته هایشان را از راه های مسالمت آمیز طرح کنند و بدون خشونت پیش روند. با خشونت تنها بازندگی بار خواهد آمد.

**پرسش: اگر که جنبش اسلامی برنده شود آینده سوریه چه خواهد بود؟**

پاسخ: آنها برنده نمی شوند. اسلامیت ها شاید در برخی از مناطق سوریه وجود داشته باشند آنهم جائی که محل تجمع سنی هاست. به هیچ وجه در تمامی کشور وجود ندارند. اگر هم سنی ها بخواهند کشور را رهبری کنند در این صورت پاکسازی قومی در سوریه راه خواهد افتاد.

**پرسش: آیا هنوز شانس برای دیپلماسی وجود دارد تا بدینوسیله جنگ در سوریه پایان یابد؟**

پاسخ: ما پشت براهیمی ایستاده ایم و او هم پشت ما. هر کسی که به امکانات متفاوت شک کند، راه حلی سیاسی برای سوریه نمی خواهد. مبارزه مسلحانه برای سوریه به مفهوم نابودی سوریه مدرن است. من اصلا نمی توانم بپذیرم که امروز سوریه یک کشور شکست خورده و نابود باشد و فردا یک کشور فقیر و بیچاره. آنهم بعد از ۷۰ سال استقلال. استقلال و دمکراسی به هم پیوسته اند و از اجزای هم هستند. استقلال قوت و قدرت سیاسی ما است. ما برای دمکراسی در سوریه از راه های

مسالمت آميز مبارزه خواهيم كرد.

ÂÂÂ